



# یک فرصت طلایی

— «ای مردم، به میهمانی بزرگ خدا دعوت شده‌اید! این ماه که به سوی شما می‌آید، ماه برکت و مغفرت خداست! نَفَس‌هایتان در این ماه ثواب تسبیح دارد و خواب‌هایتان عبادت است. اعمالتان در این ماه مقبول و دعاهایتان مستجاب است. پس دعا کنید و از خدا بخواهید که شما را به روزه گرفتن و تلاوت قرآن در این ماه توفیق دهد. ای مردم، پاداش کارهای نیک در این ماه، هفتاد برابر ماه‌های دیگر است. هرکس در این ماه بسیار صلوات بفرستد، کارهای نیکش در قیامت سنگین خواهد بود و هرکس در این ماه یک آیه قرآن بخواند، پاداش کسی را دارد که تمام قرآن را تلاوت کند. ای مردم، هرکس در این ماه روزه‌داری را افطار دهد، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد. کسی که در این ماه اخلاقش را نیکو کند، در روز قیامت به آسانی از صراط خواهد گذشت و کسی که در این ماه بر زیر دستانش آسان بگیرد خداوند نیز حسابش را در روز قیامت آسان خواهد کرد»<sup>۱</sup>.



- ۱- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این سخنان، به اعمالی اشاره فرموده است که می‌تواند نقش مهمی در زندگی ما در جهان آخرت داشته باشند.
- ۲- سه مورد از این اعمال را بیان کنید و درباره تأثیر آنها در زندگی پس از مرگ، با دوستانتان صحبت کنید.

۱- بخشی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پیش از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، امالی صدوق، ص ۹۳.

همه ما حال و هوای ماه رمضان را تجربه کرده‌ایم و از این ماه زیبا خاطراتی در ذهن داریم. خاطرات شیرینی که باعث می‌شود پس از پایان یافتن این ماه، خیلی زود دلمان برای سحرها و افطارهای زیبایش تنگ شود و دوباره چشم به راه فرارسیدنش در سال بعد باشیم. شرکت در جلسات قرائت قرآن، میهمانی‌ها و افطاری‌ها، بیدارشدن در وقت سحر، مراسم شب‌های قدر و مناجات‌ها و دعا‌های مختلف در هنگام افطار و سحر، برنامه‌هایی‌اند که این ماه را بر ماه‌های دیگر برتری می‌بخشند. اما مهم‌ترین تفاوت ماه رمضان با ماه‌های دیگر چیست؟



در ماه رمضان روزه گرفتن بر مسلمانان واجب است. پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله درباره اهمیت این عبادت بزرگ می‌فرماید:

روزه سپری است در برابر مشکلات دنیا و پوششی است در برابر عذاب آخرت.<sup>۱</sup>

این عمل صالح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که بزرگان دین مردم را — علاوه بر ماه مبارک رمضان — در زمان‌های دیگر نیز به روزه گرفتن سفارش کرده‌اند و برای این کار پاداش‌های ارزشمندی را از طرف خداوند برشمرده‌اند. روزه گرفتن چه سودی برای مردم دارد که خداوند آن را بر همه واجب دانسته است؟

## فواید روزه

### ۱- تقویت صبر و اراده

به درختانی که در کنار جوی‌های آب می‌روید نگاه کنید. آنها برای رشد و ادامه زندگی هیچ مشکل و زحمتی را تحمل نمی‌کنند. اما درختانی که در مناطق کوهستانی و کم‌آب رشد می‌کنند، برای استوار ماندن با سختی‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. به نظر شما اگر این درختان دچار طوفانی سهمگین شوند، کدام یک زودتر از پای درمی‌آیند؟ کسی که به خاطر دستور خداوند روزه می‌گیرد، سختی گرسنگی و تشنگی را تحمل می‌کند

۱- مصباح‌الشریعة، ص ۱۳۵.



و با اینکه آب و غذا در اختیار دارد، از آنها استفاده نمی‌کند. تکرار این کار باعث قوی‌تر شدن اراده و صبر انسان می‌شود. چنین فردی در صحنه‌های دیگر زندگی نیز هر جا که مورد وسوسه شیطان قرار بگیرد می‌تواند با کمک خداوند از اراده محکم خود بهره‌بردار و در برابر گناهان مقاومت کند. اما کسی که هر گاه دلش چیزی خواسته فوراً تسلیم شده است، نمی‌تواند در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت کند و خیلی زود در برابر او سر تعظیم فرو می‌آورد.

چه ارتباطی بین مثال درختان و روزه‌داری وجود دارد؟ توضیح دهید.

فعالیت کلاسی

## ۲- توجه به محرومان

همه ما بارها این ضرب‌المثل را شنیده‌ایم که می‌گویند: شنیدن کی بود مانند دیدن! شاید بگوییم درست است، اما این ضرب‌المثل چه ربطی به روزه دارد؟

روزی از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد: چرا خداوند روزه را بر مردم واجب کرده است؟ امام علیه‌السلام فرمود:

ثروتمندان هرگز درد گرسنگی را حس نمی‌کنند، زیرا هرچه بخواهند می‌توانند به‌دست آورند؛ به همین دلیل نسبت به فقیران و گرسنگان دلسوزی نمی‌کنند. خداوند بلندمرتبه روزه را بر همه واجب کرد تا [در این ماه] همه مانند هم باشند و ثروتمندان نیز مزهٔ گرسنگی را بچشند و با گرسنگان و فقیران مهربان شوند و به آنان کمک کنند.<sup>۱</sup>

### ۳- حفظ سلامتی

می‌توانید حدس بزنید علت بیشتر بیماری‌ها چیست؟ نتیجهٔ تحقیقات دانشمندان و پژوهشگران نشان می‌دهد که دلیل اصلی بسیاری از بیماری‌ها، تغذیهٔ نادرست و پرخوری است و به همین دلیل در اغلب کتاب‌های معتبر پزشکی بخشی به اصول تغذیه و منافع پرهیز از پرخوری اختصاص یافته است. وقتی که مواد غذایی بیش از حد نیاز بدن باشد، به‌صورت چربی در بدن ذخیره می‌شود و ضمن بالابردن چربی، قند و فشار خون، باعث بالارفتن وزن بدن و انباشته‌شدن چربی در میان ماهیچه‌های بدن می‌شود که محیطی بسیار مناسب برای رشد انواع باکتری‌ها و میکروب‌هاست. یک ماه روزه‌گرفتن، چربی‌های مزاحم و زائد بدن را مصرف می‌کند و از بین می‌برد و در حقیقت بدن را از آلودگی‌های یک‌ساله خانه‌تکانی می‌کند. اکنون معنای این حدیث نورانی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله را بهتر می‌فهمیم که می‌فرماید:

صُومُوا تَصِحُّوا      روزه بگیرید تا سالم بمانید!<sup>۲</sup>

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۷۳.



آیه زیر را با دقت بخوانید:

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ  
كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ  
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،  
روزه بر شما واجب شد  
همان گونه که بر کسانی که قبل  
از شما بودند نیز واجب  
شده بود؛  
تا پرهیزگار شوید.

۱- با توجه به این آیه، مهم‌ترین فایدهٔ روزه چیست؟

۲- این آیه به کدام یک از فایده‌های روزه که در این درس خواندیم ارتباط دارد؟

## مُبطَلات روزه

شاید برخی گمان کنند همین که چیزی نخورند و نیاشامند برای روزه گرفتن کافی است، اما این تصور درست نیست. روزه یعنی این که انسان تصمیم بگیرد برای انجام دستور خداوند از اذان صبح تا اذان مغرب از چند کار معین (که به آنها مُبطَلات روزه گفته می‌شود) خودداری کند. به این تصمیم (که خودش یکی از واجبات روزه است) نیت گفته می‌شود. یعنی اگر کسی نیت روزه گرفتن را نداشته باشد، هرچند که تمام روز را تشنه و گرسنه بماند، نمی‌تواند خود را روزه‌دار بداند.

### مُبطَلات روزه عبارت‌اند از:

#### ۱ و ۲- خوردن و آشامیدن

اگر شخص روزه‌دار آب، غذا، دارو و یا هر چیز دیگری را بخورد، حتی اگر خیلی هم کم باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. حتی فرو بردن غذایی که در میان دندان‌ها باقی مانده است نیز باعث باطل شدن روزه می‌شود. برای همین به ما سفارش شده است در ماه رمضان بعد از خوردن سحری، مسواک بزنییم تا چیزی از غذا در دهانمان باقی نماند. البته فرو بردن آب دهان برای روزه‌دار اشکالی ندارد.

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۳.

### ۳- فروبردن سر به زیر آب

روزه‌دار نباید سرش را به‌طور کامل به زیر آب فرو ببرد و اگر این کار را برای یک لحظه هم انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود. البته ایستادن زیر دوش آب و یا ریختن آب بر روی سر برای روزه‌دار اشکالی ندارد و حتی اگر قسمتی از سر را یک بار و قسمت دیگر را بار دیگر به زیر آب ببرد نیز روزه‌اش صحیح خواهد بود.

### ۴- فروبردن غبار یا دود غلیظ به حلق

روزه‌دار نباید گرد و غبار و یا دود غلیظ به حلق خود برساند. بنابراین، اگر جایی گرد و خاک خیلی زیادی در هوا پراکنده شده باشد و یا اینکه دود شدیدی در هوا پیچیده باشد، روزه‌دار باید آن جا را ترک کند و یا با استفاده از یک پارچه و یا ماسک از رسیدن آن به حلقش خودداری کند.

### ۵- دروغ‌بستن به خدا، پیامبران و یا امامان

اگر روزه‌دار حرفی را از خودش بگوید و بعد به دروغ بگوید که این حرف در قرآن است و یا آن را به یکی از امامان یا پیامبران نسبت دهد، روزه‌اش باطل می‌شود.<sup>۱</sup> تمام مواردی که گفته شد در صورتی باعث باطل شدن روزه می‌شود که شخص روزه‌دار عمداً و با توجه به این که روزه است آنها را انجام دهد. ولی اگر روزه‌دار فراموش کند که روزه است و یکی از مبطلات روزه را انجام دهد، روزه‌اش صحیح خواهد بود.



- ۱- توضیح دهید چگونه روزه گرفتن باعث رسیدگی بیشتر مردم به فقرا و مستمندان می‌شود.
- ۲- چهار مورد از مبطلات روزه را نام ببرید.
- ۳- اگر کسی در ماه رمضان فراموش کند که روزه است و مبطلات روزه را انجام دهد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟
- ۴- آیا شناکردن در آب روزه را باطل می‌کند؟ توضیح دهید.

۱- مبطلات روزه نه چیز است که در سال‌های آینده با سایر موارد آن آشنا خواهیم شد.



## جراحی بدون چاقو



«مطمئن‌ترین، بی‌ضررترین و بی‌خطرترین روش درمانی! ما نوعی جراحی بدون چاقو را کشف کرده‌ایم که هیچ روش درمانی دیگری را نمی‌توان با آن مقایسه کرد! آنچه گروه تحقیقاتی ما کشف کرده این است: روزه درمانی! ما پس از آزمایش‌های مختلف مشاهده کردیم که هیچ یک از روش‌های پزشکی موجود نمی‌تواند مانند این روش در ترمیم و جوان کردن سلول‌های بدن اثرگذار باشد. روشی که نتیجه‌اش در

پیش‌گیری و درمان بیماری‌ها، غیرقابل تصور است. این روش به سیستم بدن اجازه می‌دهد که پس از یک سال کار بی‌وقفه، کمی استراحت کند و بعد از رهاشدن از شر مواد زائد انباشته شده در آن، دوباره خودش را تنظیم کند. روزه گرفتن تنها گرسنگی کشیدن نیست، بلکه راهی است برای نظافت، ترمیم و بازسازی بدن. این نیروی شگفت‌انگیز هدیه‌ای است که خدا در وجود هر انسانی آفریده است...»<sup>۱</sup>



۱- روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت شپتن، ص ۱۹.



# الهی

خداوند،

ای صاحب ماه رمضان و ای دوست دار روزه داران؛  
شکلیابی ام، نخش تا روزه بگیرم؛  
ویاری ام کن تا میمان قرآن شوم.

الهی،

تو خودم را به مهمانی ات فراخواندی،

پس سحر بایم را پر دعا و افطار بایم را با صفا کن.  
وروزه چشم و زبان و گوش را نصیبم کن،  
تا بد نیستیم، بدگلویم و بدشوم!

پروردگارا،

ای نخبه‌ترین و ای پاک‌ترین،

در شب‌های زیبای قدر،

مرا بخش و بهترین سر نوشت را برای همه مقرر کن.

(تو هم اگر دوست داری چند جمله با  
پروردگارت سخن بگو).

.....  
.....  
.....



در سال گذشته دانستیم که مرگ پایان همه چیز نیست؛ بلکه تنها پلی میان دنیا و آخرت است. این را هم دانستیم که حال هر کس در روز قیامت متناسب با اعمالی است که در دنیا انجام داده است و در حقیقت بهشت و جهنم هر کس در همین دنیا و به دست خودش ساخته می شود.

ما در این فصل، ضمن مرور ارتباط بین زندگی دنیا و آخرت به بررسی کارهایی می پردازیم که تأثیر بسیاری بر حالت انسان در هنگام مرگ دارند.

فصل حاضر از دو درس تشکیل شده است که به ترتیب عبارت اند از: تلخ یا شیرین و راه سعادت مندی.

🌀 **درس هفتم (تلخ یا شیرین)** در قالب داستانی مفصل، به بیان مراحل زندگی انسان از تولد در این دنیا تا رسیدن به بهشت یا دوزخ اشاره دارد.



🌀 **درس هشتم (راه سعادت مندی)** به بررسی سه عمل می پردازد که می تواند تا حد زیادی از سختی مرگ برای انسان بکاهد.





# تلخ یا شیرین

## زیرک

بر روی تخت گران قیمت قصر نشسته بود و به حادثه‌های عجیب امروز فکر می کرد: «این دیگر چه رسمی است؟ چرا مردم شهر همگی در مقابل دروازه شهر جمع شده بودند؟ چرا تا مرا دیدند، به طرفم دویدند؟ چرا مرا روی شانه‌هایشان نشانند و به قصر آوردند؟ مگر این شهر حاکم و فرمانروا ندارد؟ شاید مرا با شخص دیگری اشتباه گرفته‌اند!...» همه چیز برایش مثل یک رؤیا بود. نمی توانست باور کند؛ صبح وقتی برای اولین بار وارد این شهر می شد، مسافری تنها و خسته بود و امشب، سلطان مردم این سرزمین!





روزها یکی یکی می آمدند و می رفتند، ولی کسی به پرسش های پادشاه جواب درستی نمی داد. این رفتار مرموز اطرافیان، او را بیشتر نگران می کرد، تا اینکه روزی...

مخفیانه لباس مردم عادی شهر را پوشید و از قصر بیرون رفت. همین طور که قدم زنان به اطراف نگاه می کرد، از بازار شلوغ شهر سر در آورد. در شلوغی و سر و صدای بازار هر کس مشغول کاری بود. با کنجکاوئی به اطراف نگاه می کرد که ناگهان گرمی دستی را روی شانه هایش احساس کرد. سر جایش میخ کوب شد. سرش را که برگرداند پیرمردی مهربان را دید.

— «جناب سلطان! شما اکنون باید در قصر باشید. با این سر و وضع در بازار چه می کنید؟!»

دست و پایش را گم کرد. نمی دانست چه جوابی بدهد. پیرمرد

او را شناخته بود. بریده بریده گفت: می خواستم، می خواستم، آخر می دانید...

پیرمرد لبخندی زد و گفت: از روز اول هم معلوم بود که آدم زیرکی هستید. حتماً می خواهید بدانید در این شهر چه خبر است و علت رفتار عجیب مردم این شهر چیست. حالا خوب گوش کنید تا من برایتان توضیح دهم:

سال های سال است مردم این شهر طبق یک رسم قدیمی، در روز معینی کنار دروازه شهر جمع می شوند و اولین کسی که وارد شهر می شود را به دوش می گیرند و او را به قصر می برند

و پادشاه خود می‌سازند. آنها تا یک سال به تمام دستورات پادشاه عمل می‌کنند و فرمان‌بردار او هستند، سال بعد دوباره همگی در کنار دروازه شهر جمع می‌شوند و برای انتخاب سلطان جدید، چشم به دروازه شهر می‌دوزند. بنابراین، هیچ پادشاهی در این شهر نمی‌تواند بیشتر از یک سال بر مردم حکومت کند.

— پس تکلیف پادشاه قبلی چه می‌شود؟

— او را بر کشتی سوار می‌کنند و به جزیره‌ای می‌برند و در آنجا می‌گذارند.

— می‌دانی آن جزیره کجاست؟

— من این موضوع را به پادشاهان پیشین نیز گفتم، ولی آنان توجهی نکردند. اگر شما بخواهید

من نشانی آن جزیره را به شما خواهم داد...



آن شب تا نزدیک صبح در قصر قدم می‌زد و فکر می‌کرد:

— می‌توانم تا سال بعد در این قصر در کمال آسایش زندگی کنم و از حکومت لذت ببرم.

الآن همه چیز شهر در اختیار من است. اصلاً دلیلی ندارد با فکر کردن به آینده خودم را ناراحت

کنم....

اما فقط یک سال؟! بعد از آن چه کار کنم؟ اگر بخواهم این یک سال را به خوشگذرانی

بپردازم، در آن جزیره بدون آب و غذا، بدون خانه و سرپناه، چگونه زندگی کنم؟

انتخاب سختی بود. آسایش یک ساله و رنج همیشگی یا یک سال زحمت و در عوض راحتی

همیشگی؟

بالآخره نزدیک صبح تصمیمش را گرفت.

از فردای آن روز، درکنار رسیدگی به کارهای مردم و تلاش صادقانه برای حل مشکلات آنان،

با راهنمایی‌های پیرمرد دانا، چند دوست قابل اعتماد پیدا کرد و برنامه‌اش را برای آنها توضیح داد.

او تمام هدایایی را که مردم شهر می‌آوردند، به دوستان نزدیکش می‌داد تا با آنها برایش مصالح

ساختمانی، نهال‌های درختان و گله‌های گوسفند خریداری کنند. او هیچ چیز از اموالش را در

قصر نگه نمی‌داشت.

از آن پس هر چند روز یک‌بار، بدون اینکه کسی خبردار شود، یک کشتی از ساحل شهر به

جزیره می‌رفت و مصالح ساختمانی، نهال‌های درختان و گله‌های گوسفندان را با خود به آنجا

می‌برد. کشاورزان و کارگران مورد اعتماد پادشاه نیز هر روز به همراه خدمتکاران نزدیک وی به

جزیره می‌رفتند و....





همه چیز طبق برنامه پیش می‌رفت تا اینکه یک شب:  
 نیمه‌های شب ناگهان احساس کرد نمی‌تواند دستانش را حرکت دهد. چشمانش را که باز  
 کرد با صحنه‌ عجیبی روبرو شد. نگهبانان قصر دست و پای سلطان را بسته بودند و می‌خواستند  
 او را با خودشان ببرند.  
 — ببخشید جناب سلطان! دوره یکساله حکومت شما به پایان رسیده است و شما همین حالا  
 باید به همراه ما بیاید.  
 — کجا بیایم؟ من آماده نیستم. کمی به من فرصت بدهید.  
 — متأسفانه چنین چیزی ممکن نیست.  
 — پس لااقل بگذارید وسایل شخصی‌ام را بردارم...  
 — خیلی متأسفم! ما چنین اجازه‌ای نداریم. دوره حکومت شما تمام شده و ما باید شما را در  
 هر حالی که باشید به همراه خود ببریم.  
 وقتی او را از درِ قصر بیرون می‌بردند، در میان جمعیت انبوهی که آمده بودند تا برای آخرین  
 بار پادشاه را ببینند، چشمش به پیرمرد دلسوز و دانا افتاد که با رضایت به او نگاه می‌کرد.



همین که کشتی به جزیره رسید، مأموران، سلطان را نزدیک ساحل به آب انداختند و بازگشتند. آنها نمی‌دانستند که در این شب تاریک، عده‌ی زیادی در جزیره منتظر ورود دوست عزیزشان، یعنی پادشاه هستند و قصر بزرگ و زیبای او را که در میان باغی قرار داشت برای آمدنش آراسته‌اند.

سال‌ها بعد، مردم آن شهر بزرگ از دریانوردان می‌شنیدند که در وسط دریا شهری زیبا و بی‌نظیر هست که...<sup>۱</sup>



### فعالیت کلاسی

الف: به نظر شما اگر پادشاه زیرک به جای کار و زحمت یکساله، خوشگذرانی و زندگی راحت در قصر را انتخاب می‌کرد، داستان ما چگونه به پایان می‌رسید؟

ب: اگر کمی فکر کنیم درمی‌یابیم که داستان زیرک شباهت‌های زیادی با زندگی خود ما در دنیا دارد. این شباهت‌ها را پیدا کنید و مانند نمونه، جاهای خالی زیر را پر کنید:

۱- زیرک که اولین بار به آن شهر آمده بود، به راهنمایی نیاز داشت. ما نیز که تنها یک بار به این دنیا می‌آییم، برای خوشبختی نیازمند راهنمایی پیامبران هستیم.

۲- او می‌توانست تمام وقتش را به استراحت در قصر بپردازد.

ما نیز ممکن است .....

۳- زمان پادشاهی‌اش خیلی زود سپری شد.

۴- اصلاً گمان نمی‌کرد که نگهبانان ناگهان نیمه‌شب به سراغش بیایند.

۵- نگهبانان هنگام رفتن به او اجازه‌ی هیچ کاری را ندادند.

۱- اقتباس از کتاب منازل الاخرة شیخ عباس قمی با تغییر.



۶- او در آن جزیره زیبا در جایی زندگی می کرد که خودش ساخته بود.

۷- اگر مسافرِ داستان ما وارد این شهر نمی شد، هرگز نمی توانست روزی پادشاه جزیره زیبا و ساکنان آن شود.

ج: به نظر شما چه شباهت‌های دیگری بین داستان زیرک و زندگی ما در این دنیا وجود دارد؟

## سرانجام زندگی

می دانید قهرمان داستانی که خواندیم کیست؟ این داستان تنها یک قهرمان ندارد؛ بلکه هر کدام از ما می توانیم نقش این پادشاه را در زندگی خود بازی کنیم. همان گونه که دیدیم حالت پادشاهان مختلف در هنگام رفتن از شهر به سوی جزیره با یکدیگر متفاوت بود. وضعیت ما انسان‌ها نیز در هنگام رفتن از این دنیا با انسان‌های دیگر متفاوت است. خداوند حکیم در قرآن می فرماید:

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ  
حالی پاکند فرشتگان جانشان را  
می گیرند [و به آنان]  
می گویند: سلام و درود بر شما.  
ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>۱</sup>  
[اکنون وقت آن است] به خاطر  
کارهای [نیک]تان وارد بهشت شوید.

۱- سوره نحل، آیه ۳۲.

و در جای دیگری از قرآن کریم می‌فرماید:

... إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ

هنگامی که فرشتگان جان

کافران را می‌گیرند

به صورت و پشت‌هایشان می‌زنند

و [به آنان می‌گویند]: عذاب

سوزان را بچشید.

يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ

و ذُقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ<sup>۱</sup>

به مفهوم این دو آیه توجه کنید.

از مقایسه این دو آیه چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

کسانی که در زندگی خود به خدا و پیامبرانش ایمان دارند و به فکر زندگی پس از مرگ هستند، مانند پادشاه زیرک‌اند که رفتن از شهر، هیچ ترسی برایش نداشت؛ چرا که می‌دانند در زندگی جدید خود نیز در آرامش و راحتی به سر خواهند برد.

اما کافران و بدکارانی که تمام زندگی خود را به خوشگذرانی و تفریح در دنیا می‌پردازند و برای سفر خود توشه‌ای آماده نمی‌کنند، اصلاً دوست ندارند از این دنیا بروند؛ زیرا می‌دانند مرگ برای آنها به معنای پایان خوشی‌ها و سرآغاز سختی‌هاست.

اکنون این پرسش باقی می‌ماند که ما باید در دنیا چه کارهایی انجام دهیم تا هنگام سفر به جهان آخرت با سلام و درود فرشتگان روبه‌رو شویم؟  
در درس بعد به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت.



خودت را امتحان کن

۱- چرا پادشاه زیرک از رفتن به جزیره هیچ ترسی در دل نداشت؟

۲- مرگ برای چه کسانی وحشتناک و ناخوشایند است؟ چرا؟

۳- حالت مؤمنان و کافران را در هنگام مرگ توضیح دهید.

۱- سوره انفال، آیه ۵۰.